

۴ - کیفیت تحصیل معرفت الله

از حضرت بهاء الله در رساله سیر وسلوک هفت وادی است قوله الاحلی: "اول وادی طلب است. مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و بمقصود واصل نشود... مجاهدین کعبه "فینا" به بشارت "لنهدیهم سبلنا" مسرورند و کمر خدمت در طلب بغایت محکم بسته اند... شرط است این عباد را که دل را که منبع خزینه الهیه است از هر نقشی پاک کنند و از تقلید که از اثر آباء و اجداد است اعراض نمایند و ابواب دوستی و دشمنی را با کلّ اهل ارض مسدود کنند. و طالب در این سفر بمقامی رسد که همه موجودات را در طلب دوست سرگشته بیند... و این طلب طالب را حاصل نشود مگر بنثار آنچه هست یعنی آنچه دیده و شنیده و فهمیده همه را بنفی "لا" منفی سازد تا بشهرستان جان که مدینه "الا" است واصل شود... و سالک در این سفر بر هر خاکی جالس شود و در هر دیار طلب یار نماید با هر جمع مجتمع شود و با هر سری همسری نماید که شاید در سری سرّ محبوب بیند و یا از صورتی جمال محبوب مشاهده کند."

و از آن حضرت در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "الباب المذكور فی بیان ان العباد لن یصلوا الی شاطی بحر العرفان الا بالانقطاع الصرف عن کلّ من فی السموات والارض قدّسوا انفسکم یا اهل الارض لعلّ تصلنّ الی المقام الذی قدر الله لکم و تدخلن فی سرادق جعله الله فی سماء البیان مرفوعاً."

و هم در آن کتاب پس از تفصیل شروط مجاهدت در طریق معرفت چنین مسطور است قوله الاعلی: "و چون بعمل و الذین جاهدوا فینا موید شد بشارت لنهدیهم سبلنا مستبشر خواهد شد."

و در جواهر الاسرار قوله عزّ کبریائه: "فاعلم ثم اعرف بان السالک فی اول سلوکه الی الله لابد له بان یدخل فی حدیقة الطلب و فی هذا السفر ینبغی للسالک بان ینقطع عن کلّ ما سوی الله و یغمض عیناه عن کلّ من فی السموات والارض و لم یکن فی قلبه بغض احد من العباد و لا حب احد علی قدر الذی یمنعه عن الوصول الی مکمن الجمال و یقدّس نفسه عن سبحات الجلال و له حقّ بان لا یفتخر علی احد فی کلّ ما اعطاه الله من زخارف الدنیا او من علوم الظاهرة او غیرها و یطلب الحقّ بکمال جدّه و سعیه لیعلّمه الله سبیل عنایتیه و مناهج مکرّمته لانه خیر معین بعباده و احسن ناصر لارقائه قال و قوله الحقّ "الذین جاهدوا فینا لنهدیهم سبلنا" و فی مقام آخر "اتقوا الله یعلمکم الله."

و از کلمات مکنونه قوله الاعزّ الابهی: "یا ابن الروح فی اوّل القول املک قلباً جيداً حسنأ منیراً لتملک ملکاً دائماً باقیماً ازلاً قدیماً."

ایضا در جواهرالاسرار قوله جلّ کبریاؤه: "لابد للمسافر الى الله و المهاجر في سبيله بان ينقطع عن كلّ من في السموات و الارض و يكف نفسه عن كلّ ما سواه ليفتح على وجهه ابواب العناية و تهب عليه نسيمات العطفوة و اذا كتب على نفسه ما القيناه من جواهر المعانى و البيان ليعرف كلّ الاشارات من تلك الدلالات و ينزل الله على قلبه سكينه من عنده و يجعله من الساكنين."

و در اثر مبارکی که به "اصل کلّ الخیر" مشهور چنین نازل قوله جلّ جلاله: "رأس کلّ ما ذکرناه لك هو الانصاف و هو خروج العبد عن الوهم و التقلید و التفرس في مظاهر الصّنع بنظر التوحید و المشاهدة في کلّ الامور بالبصر الحدید."

و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزیز: "و چون این مقام تحرّی حقیقت است و جستجوی واقع مقامی است که تشنه جان سوخته آرزوی آب حیات نماید ماهی مضطرب بدریا رسد مریض طبیب حقیقی جوید و بشفای الهی فائز شود قافله گمگشته براه حقّ پی برد و کشتی سرگشته و حیران بساحل نجات رسد لهذا طالب باید متّصف بچند صفات باشد اولاً باید که منصف باشد و منقطع از ماسوی الله و قلبش بکلّی بافق اعلی توجه کند و از اسیری نفس و هوی نجات یابد زیرا اینها همه مانع است و از این گذشته تحمّل هر بلائی لازم است و باید در نهایت تقدیس و تزیه باشد و از حبّ و بغض جمیع ملل عالم بگذرد چه که یحتمل حبّش بجهتی مانع از تحقیق جهت دیگر شود و همچنین بغض بجهتی شاید مانع از کشف حقیقت آن شود این مقام طالب است طالب باید باین اخلاق و اطوار باشد و تا باین مقام نیاید ممکن نیست که بشمس حقیقت پی برد."